

## پرونده هسته ائی ایران در مرحله جدید.

سیاست امنیت مشترک منطقه ای میتواند اروپا و ایران را از دام ایالت متحده آمریکا رها کند.  
ترجمه از متن آلمانی منتشر در روزنامه فرانکفورتر روندشاو 13 اوت 2005

... شورای امنیت سازمان ملل با تحریکات ایالات متحده تصمیم می‌گیرد دست به اجرای تحریم‌های سختی علیه ایران بزند. آمریکا و اسرائیل ایران را تهدید به یک جنگ تدافعی می‌کنند. ایران در واکنش به این تهدیدات با نیروی دریایی خود آغاز به مین‌گذاری در خلیج فارس می‌کند و اعلام می‌کند که راه‌های حمل نفت را می‌بندد. غرب در برابر این خیر دهشتناک دست به اعتراض می‌زند. ترس بحران نفت و خفه کردن کارزار اقتصاد غرب تحریکات ضد اسلامی را تشدید می‌کند. شبخ تهدید اسلام علیه آزادی و رفاه در غرب همه جا سایه می‌گستراند. روسیه و چین با توجه به حاد شدن وضع در این دعوا بی‌طرف می‌مانند، ایالات متحده دست به تدارکاتی برای حمله نظامی می‌زند. چشم‌انداز شکل تازه ای از ائتلاف جنگی سال 1990، این بار بر ضد ایران در پیش رو قرار گرفته است. غرب در راستای یک جنگ نفت جدید حرکت می‌کند. انتظارها برای واکنش‌های آن سوی جبهه طولی نمی‌کشد. میلیون‌ها ایرانی، نه تنها طرفداران حکومت، بلکه اصلاح‌طلبان و ملی‌گرایان هم در تظاهرات ضد آمریکایی شرکت می‌کنند، هزاران نفر داوطلب برای رفتن به جبهه ها می‌شوند. در اسلام‌آباد، دمشق و جاکارتا تظاهرات خود جوشی جهت اعلام همبستگی با برادران و خواهران ایرانی خود صورت می‌گیرد. شبه نظامیان حزب الله در لبنان آماده باش می‌دهند، شیعیان افراطی در عراق جبهه جنگ جدیدی علیه اشغالگران آمریکایی می‌گشایند. در پاکستان بحران به اوج خود میرسد. احتمال کودتا بر علیه پرویز مشرف، که دوست و متحد منطقه ای آمریکا ست تشدید می‌آید. ایالات متحده از این رو در صدد بررسی دخالت نظامی در پاکستان هم بر می‌آید تا انبار تسلیحات اتمی پاکستان را از دسترس نظامیان افراطی اسلامی در ارتش پاکستان محفوظ بدارد. القاعده فرصت را غنیمت دانسته و اعلام جهاد مقدس علیه بی‌ایمان‌ها می‌کند. موج تازه‌ای از عملیات انتحاری تروریستی در کشورهای غربی، از جمله در پاریس و برلین با شمار زیادی از کشتگان و مجروحان، مدار بسته زور و خشونت را تکمیل می‌کند. سناریوی جنگ تمدن‌های هانتینگتون تبدیل به واقعیتی تلخ و ناگوار می‌شود.....

این تشدید بحران که می‌تواند دنیا را به آستانه هرج و مرج بکشاند، با شکست مذاکرات اروپا و آغاز مجدد غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران آغاز شده بود.

ایران یک مشکل امنیتی جدی دارد.

باید اعتراف کرد که این توصیفات سناریوی است وحشت بار، که اما چندان دور از ذهن و غیرواقعی هم نیست. این که تا حد امکان به رویدادهای ممکن در تمامی ابعاد آن ببیندیشیم، میتواند یاری دهد که بتوانیم قبل از اینکه دیر شده باشد مانع تحقق این سناریوشویم. در این ارتباط اتحادیه اروپا مسئولیت بزرگی به عهده دارد. ولی اما آیا اروپا قادر است در برابر این بحران جدید بایستد؟ استراتژی اروپا در این مورد به بن بست خورده است. او هدف خود را آشکارا بر این پایه قرار داده که تقصیر شکست مذاکرات را به گردن ایران بیاندازد. اما این رویه باعث شدت بیشتر بحران خواهد شد. مذاکرات به شکست انجامیدند، زیرا که جامعه اروپا زیرکانه از کنار شا لوده مشکل امنیتی ایران رد میشود و نیز به این دلیل که ایران هم مشکل عینی امنیتی خود را در پشت پرده استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای پنهان میکند.

ایران با توجه به حضور نظامی آمریکا در عراق، افغانستان و عربستان سعودی و کشورهای آسیای مرکزی به طور کامل در محاصره نظامی آمریکا قرار گرفته است. علاوه بر این دچار مشکلات امنیتی اساسی تری نیز میباشد که بانی آن تسلیحات اتمی اسرائیل است این کشور صاحب بیش از 200 تا 300 کلاهک هسته ای با کلیه سیستم های حامل متعلق به آن هاست. بدین ترتیب تمامی منطقه خاور میانه و نزدیک و هم چنین ایران، در تیررس سلاح های اتمی اسرائیل قرار دارند. این خطرناک ترین و در عین حال گران ترین راه حلی است که بتواند امنیت اسرائیل را تضمین کند. این راه قبل از هر چیز به مسابقه تسلیحاتی در کل منطقه دامن می‌زند. سیاست مداران جمهوری اسلامی در برابر این تجهیزات با یک برنامه پر خرج تسلیحاتی واکنش نشان می‌دهند. در این رابطه دکترین بدیهی غرب در مکتب واقع گرایی، یعنی اصل توازن قوا، منطق مرگبار خود را اجرا می‌کند. تسلط کامل بر تکنولوژی هسته ای هم از جمله اجزاء متعلق به این برنامه تسلیحاتی است. غنی سازی اورانیوم در این رابطه نقشی کلیدی بازی می‌کند، و این همان چیزی است که کلیه مراجع سیاسی ایران متفقا به عنوان حقی مسلم برای خود اعلام کرده اند. رئیس جمهور تازه ایران، آقای احمدی نژاد هم در این ارتباط هیچ جای تردیدی باقی نمی‌گذارد. هدف اعلام شده او ایرانی است "پیشرفته و قوی". اگرچه موضع ایران با حقوق بین الملل در تضاد نیست و از دریچه دکترین "موازنه قوا" هم

قابل فهم میباشد، ولی با این وجود راه حل مناسبی برای حل مشکل امنیتی ایران نیز نیست. سلاح های اتمی ایران چنانچه ایران موفق به دستیابی به آنها بشود به مسابقه تسلیحاتی در منطقه دامن میزند و لذا نمیتوانند قابل قبول باشند. به همین دلیل رزاد خانه ها و تسلیحات اتمی اسرائیل هم غیر قابل قبول اند و بایستی بکلی برچیده شوند

**اتحادیه اروپا، یدک کش ایالات متحده**

اتحادیه اروپا از ایران می خواهد که از غنی سازی اورانیوم برای همیشه صرف نظر کند و برای جبران آن وعده های به ظاهر شیرین اقتصادی می دهد، در حالیکه خواسته های اصلی ایران بی جواب میمانند. بهزبانی روشن حرف اتحادیه اروپا به ایران این است: شما به هیچ عنوان اجازه ندارید صاحب بمب اتمی شوید، و مسائل امنیتی شما هم برای ما اهمیتی در سطح درجه دوم دارند. از این طریق اروپائیان به این دیدگاه پر طرفدار در ایران و تمام دنیای اسلام خوراک تازه می دهند که اروپا نیز همانند آمریکا از سیاستی دوگانه پیروی می کند: سلاح های اتمی اسرائیل قابل تحمل اند، ولی دارا بودن همین سلاح ها برای کشورهای اسلامی جایز نیست. با موضع کنونی، اتحادیه اروپا به عنوان یدک کش سیاست آمریکا برای محاصره نظامی ایران عمل می کند. با این روش ایران به ساده گی به این سمت رانده می شود که برنامه اتمی خود را به طور کامل به اجرا درآورد و حتا در صورت نیاز قرارداد منع سلاح های هسته ای را ترک کند. اروپا با انداختن تقصیرها تنها بر گردن ایران در واقع به از دست دادن شانس تاریخی خود برای ایجاد یک سیاست صلح مستقل به عنوان گزینه نو، سرپوش میگذارند. اتحادیه اروپا به جای اتخاذ چنین تدبیری - دانسته یا ندانسته - حکم مشروعیت اخلاقی تصمیمات خصمانه شورای امنیت را علیه ایران و آغاز تحرکات تازه و خطرناک نظامی نومحافظه کاران آمریکا را صادر می کند. اما ایالات متحده با یک تیر دو نشان زده است: از یکطرف اروپا را از میدان بیرون میاندازد و موقعیت تک قطبی خود را مجدداً تحکیم میکند. از طرف دیگر به یاری همین اروپا ی متحد خود پرونده هسته ای ایران را به شورای امنیت میکشاند به این امید که ایندفعه کل کشورهای اروپا ئی را برخلاف نمونه عراق به حمایت از جنگ احتمالی خود علیه ایران وادار کند.

#### هنوز فرصت برای اتحادیه اروپا باقی است

جامعه اروپا هنوز این امکان را دارد که سکان را دوباره در دست بگیرد و چشم انداز جنگ را از میان بردارد. برای این کار ضروری است که بمنظور جبران چشمپوشی ایران از غنی سازی اورانیوم فوراً برگزاری کنفرانسی را برای ایجاد منطقه آزاد از سلاح های اتمی در خاورمیانه و نزدیک در دستور کار قرار دهد. این راه برای اتحادیه اروپا به مثابه یک ضربه آزادیبخش در آخرین لحظات است، و شاید هم در راستای خروج از این بحران تنها امکان موجود. بدین سان می توان پنجره تازه ای گشود که به ایران این امکان را بدهد تا از غنی سازی اورانیوم برای مدتی صرف نظر کند و هم بتوان امکانی برای تجدید نظر درباره آینده تمام منطقه فراهم ساخت. چشم انداز تشکیل یک سازمان منطقه ای برای امنیت خاورمیانه و نزدیک ( Organization for Security and Cooperation in Middle and Near East: OSCMNE ) بی تردید تنها پایه و اساس قابل فکر برای تحقق امنیت درازمدت احتیاجات نفتی غرب و تضمین موجودیت اسرائیل خواهد بود، همین طور هم امکان ارائه راه حلی صلح آمیز برای بسیاری از نزاع های فرامرزی دیگر مانند اختلافات بر سر استفاده از منابع نفت، منابع آب و راه های آبی را پایه ریزی خواهد کرد. اروپا تنها قدرت سیاسی و اخلاقی بین المللی است که قادر به باز کردن این پنجره صلح در یکی از حساس ترین منطقه های جهان است. لذا این کار ارزش تقبل حملات تبلیغاتی نومحافظه کاران آمریکا و شارون اسرائیل را نیز دارد: نیروهای اصلاح طلب در سراسر منطقه و همچنین در اسرائیل تحرک تازه ای می یابند و در ایران هم دسترسی به سلاح اتمی مقبولیت خود را از دست خواهد داد. در اسرائیل هم پیشبرد بحثی باز و گسترده میتواند برای اولین بار در سمت یک سیاست امنیتی آزاد از سلاح اتمی به جریان بیافتد

آیا سه کشور برتر جامعه اروپا، یعنی آلمان، فرانسه و انگلستان برای چنین تکلیفی و استفاده از این شانس تاریخی از جسارت و اراده لازم برخوردارند؟

#### نقش آینده ساز جمهوری اسلامی

چه اروپا بخواهد و موقعیت تاریخی خود را درک کند یا نکند در هر صورت ایران بمراتب بیش از اروپا به صلح و ثبات سیاسی در منطقه محتاج است و بدلیل موقعیت استثناعی خود نیز امکانات متنوعی در اختیار دارد که دورنمای منطقه آری از سلاحهای گشتار جمعی را به مهمترین راهبرد و مسئله روز خاورمیانه تبدیل کند و رهبری حرکت جدید را نیز به عهده بگیرد و بدین سان پایه های راهبرد ژئواستراتژیک ایالات متحده را که همانا بی ثباتی در منطقه است در هم بریزد. این دورنما نه تنها در منطقه بلکه در سطح بین المللی نیز طرفداران بسیاری را بدنبال خواهد کشا نید و نیز قادر است ایالات متحده را به انزوا بکشاند. چنین دورنمایی ملزم به برنامه و اقدامات حساب شده میباشد که رؤس آنها چنین میتوانند باشند:

- 1- جمهوری اسلامی ایران ایجاد خاورمیانه بزرگ خالی از سلاحهای کشتار دست جمعی را در صدر سیاست خارجی و منطقه ای خود قرار میدهد و کلییه کشورهای منطقه را به شروع مذاکرات در این سمت رسماً دعوت میکند.
- 2- جمهوری اسلامی بزودی یک طرح مشخص پروسه دوری را برای شروع کنفرانس امنیت و همکاریهای منطقه ای به کشورهای منطقه پیشنهاد میکند.
- 3- جمهوری اسلامی اعلام میکند که همزمان با شروع کنفرانس امنیت و همکاریهای مشترک غنی سازی اورانیوم را داوطلبانه موقتاً تعلیق خواهد کرد.
- 4- بمنظور اعتمادسازی جمهوری اسلامی امضای قرارداد عدم حمله نظامی متقابل را به یک یک کشورهای منطقه پیشنهاد میکند.
- 5- جمهوری اسلامی به کشور عراق و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج پیشنهاد میکند کمسیون مشترکی را با این هدف تشکیل دهند که این کمسیون به تدوین اصول و مقررات لازم در سمت استفاده از راههای آبی متصل به دریاهای آزاد و رفع اختلافات موجود مربوط به شط العرب و استفاده دائمی مشترک از این نهر و همچنین استفاده مشترک از منابع نفت و گاز فرامرزی و رفع اختلافات در سایر موارد ارضی بپردازد.
- 6- جمهوری اسلامی آماده گی خود را بمنظور تقلیل دادن ظرفیتهای نظامی و تدوین راهبردها در سمت امنیت مشترک و پایه گذاری نهادهای مربوطه اعلام میکند.
- 7- جمهوری اسلامی پیشنهاد میکند، در اسرع وقت یک صندوق منطقه ای تاسیس گردد که منابع مالی آن در خدمت برنامه های عمرانی در فلسطین، مناطق کرد نشین و سایر مناطق عقب مانده در کل منطقه خاورمیانه و همچنین در سمت پیاده کردن برنامه های مشترک اقتصادی، اجتماعی، عمرانی از قبیل اتصال شبکه های برق رسانی، فن آوری استفاده از آبهای شور دریائی، مبارزه با فقر، بیسوادی، پروژهای مشترک درمانی و زیست محیطی و تاسیس نهادهای تحقیقاتی و دانشگاههای مشترک قرار گیرد.

\* استاد علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی و روابط بین الملل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اوزنابروک آلمان